

بررسی تطبیقی آموزه‌های دینی در اشعار پروین اعتصامی و سپیده کاشانی

احمدرضا نظری چروده، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی آستارا

Acharvadeh@gmail.com

حسن اسدزاده خانقاه، دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی آستارا

hasan.asadzadeh@yahoo.com

چکیده

با گسترش روزافزون علم و تکنولوژی، انسان امروز، بیش از هر زمان دیگر خود را نیازمند بازگشت به معنویت می‌داند. به دیگر بیان رشد چشمگیر صنعت و تکنولوژی با تمام مزایایی که داشته، نتوانسته است جایگزینی مناسب برای پرکردن خلأهای ناشی از فقدان معنویت در زندگی بشر گردد که نتیجه‌ی آن، بازگشت ناخودآگاه جوامع بشری به دین و ارزش‌های اخلاقی است. در این میان نقش ادبیات به عنوان بخشی مهم از فرهنگ هر جامعه، در گسترش و ترویج آموزه‌های دینی و اخلاقی انکارناپذیر است، به طوری که با بررسی ادبیات هر دوره می‌توان سیر تحول فکری و فرهنگی آن جامعه را نیز مورد ارزیابی قرار داد. براین اساس، مقاله‌ی حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، اشعار دو بانوی شاعر و ادیب ایران یعنی پروین اعتصامی (۱۳۲۰-۱۲۸۵ ش) و سپیده کاشانی (۱۳۱۵-۱۳۷۱ ش) را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که هر دو شاعر به عنوان زنان مسلمان، آموزه‌های دینی را به طور گسترده در اشعار خود به کار برده‌اند و مخاطبان خود را به پیروی از مضامین اخلاقی دعوت نموده‌اند.

واژگان کلیدی: آموزه‌های دینی، پروین اعتصامی، سپیده کاشانی، شعر.

۱. مقدمه

رخشنده اعتصامی معروف به پروین اعتصامی در ۲۵ اسفند ۱۲۸۵ خورشیدی در شهر تبریز به دنیا آمد. در کودکی با خانواده به تهران آمد. در خانواده‌ای تربیت و پرورش یافت که به شدت تحت تأثیر اصول و آموزه‌های دینی بوده است. دیوان اشعار وی بالغ بر ۲۵۰۰ بیت است. پس، در اشعار این شاعر اخلاق‌گرا، آموزه‌های دینی و باورهای مذهبی نقشی پررنگ و قابل توجه دارند. وی در فروردین ۱۳۲۰ شمسی به علت ابتلا به حصبه درگذشت و در صحن حضرت فاطمه معصومه (س) در قم به خاک سپرده شد.

کریم فیضی در کتاب راز پروین می‌نویسد: «دلایل لفظی اثبات اینکه بانو پروین دارای شخصیتی معنوی - اخلاقی بوده، در وهله نخست عبارت است از تعبیر دینی و اعتقادی که در لابه‌لای گفتارهایش موج می‌زند و او در اشعارش، به صورتی متعدد از آن‌ها یاد می‌کند و در رساندن پیام‌های اخلاقی و انسانی، از آن‌ها بهره‌های فراوان می‌گیرد. مثل اسما پیامبران و انبیا و نیز اشاره به داستان‌هایی از قرآن و اساطیر تربیتی و نمادهای داستانی ادیان مختلف و نیز انگاره‌هایی که صرفاً بار اخلاقی و دینی دارند.» (فیضی، ۱۳۸۳: ۲۱۳).

«در مرکز وجودی شخصیت ادبی پروین، شاعری را می‌بینیم که سعدی‌وار بر منبر وعظ و اخلاق رفته و با زبانی خسروگونه و گاه سنایی‌وار مخاطبان را به حریم مقدس عفاف و تقوی و اخلاق فرا می‌خواند. تردیدی نیست که تمام اشعار پروین در حکم اقماری هستند که بر گرد این نقطه‌ی مرکزی می‌گردند. این اصلی‌ترین وجه شخصیت شاعری او است.» (زرقانی، ۱۳۸۳: ۱۸۱)

سرور اعظم (سپیده)، فرزند حسین باکوچی، متولد مردادماه ۱۳۱۳ هـ ش. در شهر کاشان است. سپیده در همان اوان کودکی و آغاز تحصیل در دبستانی در کاشان به کتاب و شعر روی می‌آورد و قصه‌های کودکانه و شعرهای مخیّل و روان کودک، زندگی وی را از سایر کودکان متمایز می‌کند، سرانجام در سال ۱۳۲۵ هـ ش اولین شعر بر وی

الهام می‌شود و این نخستین ودیعه‌ی الهی، سرآغازی برای سرودن شعرهای بعدی می‌شود. آنچه که سخت در کار این بانوی شاعر، چشمگیر و اعجاب‌آور بود؛ نازک‌خیالی و رقت احساس و تصویرسازی است. او با ذوق سرشار خود، سروده‌های دل‌انگیز و ارزنده‌ای به شعر و ادب فارسی عرضه کرد که در خور توجه است. زندگی سپیده، آثار و اندیشه‌هایش با مفاهیم و مضامین دینی، قرآنی و انسانی آمیخته شده است و در سرتاسر آثارش به جز جهاد و شهادت و ایثار و پایداری، به مضامین دینی همچون: دعا، عهد و پیمان، وفاداری، دلجویی از یتیمان، امید به بخشایش الهی، مبارزه با نژادپرستی و فاصله‌ی طبقاتی و ... نیز توجه می‌کند. بر این اساس در مقاله‌ی حاضر سعی شده است تا با بررسی اشعار دو تن از شاعران معاصر، گرایش آنان به دین و تأثیر آن در ترویج و اصلاح ساختارهای اخلاقی جامعه مورد بررسی قرار گیرد.

۲. بررسی آموزه‌های دینی در اشعار پروین اعتصامی و سپیده کاشانی

«علت گرایش به دین مدت‌هاست که یکی از دغدغه‌های بشر به شمار می‌رود، به نحوی که ادیان الهی و مکاتب بشری هر یک به فراخور دیدگاه‌ها و افق‌های فکری خود در پی پاسخگویی به آن برآمده‌اند. از دیدگاه اسلام و قرآن، گرایش به دین امری فطری است. به این معنا که دین‌گرایی از ابتدای خلقت در نهاد بشر وجود داشته است.» (حاجی صادقی، ۱۳۸۴)

۱-۲ کاربرد مفاهیم دینی همچون آیات قرآن، دعا و نیایش

در دوره‌ی مشروطه با تحول در ساختارهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و عقیدتی و ادامه‌ی آن در دوره‌ی پهلوی به شیوه‌ای دیگر، استفاده از آیات قرآنی برای تبلیغ دین، وعظ و پند و اخلاق، جلوه‌های تصوف و عرفان و نمایان ساختن اطلاعات خود شاعر در زمینه معارف دینی و قرآنی در شعر این دوره کمتر در آثار شاعران دیده می‌شود، مگر شاعرانی که دغدغه‌ی دین داشته‌اند که البته تعداد آن‌ها کمتر است.

«پروین کاربرد آیات قرآنی را در آثار خود به دو صورت آورده است: یا به صورت اقتباس (آوردن آیه و یا بخشی از آیه) و یا به صورت استفاده از یک واژه‌ی قرآنی» (لویمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۹) و منظور او تبلیغ دین و اخلاق است. او در اشعار خود به لزوم معرفت قرآنی و پرورش روح انسانی به واسطه‌ی قرآن و اینکه قرآن سرمنشأ اخلاق و معالی است، اشاره می‌کند.

زو چه داری طمع معرفت قرآن را (اعتصامی، ۱۳۷۱: ۷۰)	آنکه نشناخت از هم الف و با را تو را فرقان دبیرستان اخلاق و معانی شد
چرا چون طفل کودن زین دبیرستان گریزانی (همان: ۷۷)	

ببین چه بیهده تفسیر «جاهدوا» کردیم (همان: ۳۱۲)	بسی مجاهده کردیم در طریق نفاق
---	-------------------------------

کاشانی نیز مفاهیم دینی فراوان را به صورت ضمنی یا آشکار در شعر خویش استفاده می‌نماید: از کوچه باغ سرخ خون، عاشق به منزل می‌رود (کاشانی، ۱۳۸۹: ۶۳)	قمری به بانگ «عجلوا» هشدار «قم فانذر» دهد
--	---

گفتمت ای خطبه‌ی صبر و شکیب (همان: ۲۰۷)	«نصر من الله و فتح قریب»
---	--------------------------

قسم به فجر قسم بر طلوع صبح ظفر (همان: ۲۶۳)	قسم به عزم دلیران به راهیان سحر
---	---------------------------------

سپیده از کودکی با دعا و نیایش و قرآن انس دارد و در اشعارش نیز بسیار به آن می‌پردازد:

هر شامگاه، غرق در ظلمت / آن‌گه که مرغ شب / سر می‌دهد غمگین نوای جاودان خویش / آن‌گه که شام تیره /
چوب خیمه‌ی ظلمت تا انتهای خاک می‌کوبد / آن‌گه که تاریکی ستون‌ها را در بازوان خویش می‌گیرد / فریاد یارب
یاربم، یارب / تا غرفه‌های عرش می‌پیچد. (همان: ۴۵۴)

خوب مهربان من / بوته‌ی فریب بارور نمی‌شود، بیا / شهر مهربانی و صفا بنا کنیم / و دعا کنیم / تا که جام آفتاب
واژگون شود / بر فراز شام / جاودان ما. (همان: ۳۶۵)

مجاهدان نیز با حربیه‌ی دعا می‌توانند مقاومت دشمن را ریشه‌کن کنند:

همیه‌ی عشق را شرر از نفس دعا بزن
موج‌زنان برو برو، ببر به سر قرار را
چو در نماز سوی حق، دو دست التجا برم
نشسته‌ای برابرم، شکسته‌ای حصار را
(همان: ۲۱)

گاهی نیز برای اجابت دعا، به معصومین متوسل می‌شود:

به بانوی توسل و به «اشفعی لنا» قسم
که خصم می‌زند نفس لحظه‌ی احتضار را
سپیده در سپیده‌دم طلوع آفتاب را ببین
که سیل نور می‌کند ریشه‌ی شام تار را
(همان: ۲۳)

۱-۲ نبوت در شعر پروین اعتصامی و سپیده کاشانی

اشاره به داستان پیامبران الهی مانند حضرت سلیمان، حضرت موسی، حضرت یعقوب و یوسف، حضرت عیسی،
حضرت ابراهیم و اسماعیل و حضرت محمد(ص) در اشعار هر دو شاعر به وفور مشهود می‌باشد و در لابه‌لای این
اشعار به مفاهیم و آموزه‌های اخلاقی و دینی فراوانی مانند قناعت، دوری از طمع و آز، دل نبستن به دنیا و مادیات،
دست برداشتن از نفس، دعوت به زهد و تقوا و دیگر فضایل اخلاقی پرداخته شده است.

پروین اعتصامی مخاطب خاصی ندارد و اشعارش را برای همه‌ی اعصار و جامعه‌ی انسانی می‌سراید. او معتقد است
که بشر با اقامت در ملک سلیمان، دیو نفس را میهمان خود کرده است:

گر عمر گذاری به نیکنامی
در ملک سلیمان چرا شب و روز
آن‌گه تو را عمر جاودان است
دیوت به سر سفره میهمان است
(اعتصامی، ۱۳۷۱: ۲۴)

زان گنج شایگان که به کنج قناعت است
مور ضعیف گر چو سلیمان شود رواست
(همان: ۳۹)

پروین همچنین طمع و آز انسان را به دیوی که خاتم سلیمانی را ربودند تشبیه می‌کند که اندیشه و تدبیر آدمی
را می‌دزدند.

دزد طمع چو خاتم تدبیر ما ربود
خندید و گفت: دیو سلیمان نمی‌شود
(همان: ۴۸)

اعتصامی در فراخوانی به تقوا و اخلاق از مضامین دینی در داستان حضرت ابراهیم نیز بهره برده است:
جز در نخیل خوشه‌ی خرما کسی نیافت
جز بر خلیل، شعله گلستان نمی‌شود
(همان: ۴۸)

در بیت زیر، پروین نفس خواهش‌گر انسان را به فرعون و روزگار فریبنده و پرجاذبه را به دریا تشبیه کرده است.
سپس به داستان گذشتن حضرت موسی از دریا اشاره می‌کند. حضرت موسی عصای خود را به نیل می‌زند و به امر
خداوند گذرگاهی برای عبور او و پیروانش باز می‌شود اما لشکر فرعون به دنبال آن وارد گذرگاه می‌شوند و در آب
غرق می‌گردند. پروین با این بیان از مخاطب می‌خواهد که در برابر وسوسه‌های نفس پایداری کند:

بگذر از بحر و ز فرعون هوی مندیش
دهر دریا و تو چون موسی عمرانی
(همان: ۱۰۳)

دیو و شیطان، به‌عنوان سرمنشأ فساد و گمراهی که از آغاز خلقت کمر به گمراه ساختن بشر بسته‌اند، در اشعار پروین بسیار فراوان آمده‌اند. در بیت زیر نفس به دیوی فریبنده تشبیه شده است:

نفس دیویست فریبنده از او بگریز
سر به تدبیر بیچ از خط فرمانش

(همان: ۶۹)

از آن‌جا که سپیده کاشانی، شاعری مذهبی است، اشاره به داستان پیامبران الهی و زندگی آن‌ها در شعر او جایگاهی خاص دارد. او در مثنوی طولانی با نام «خورشید حجاز» شخصیت حضرت محمد(ص) را مجموعه‌ای از ویژگی‌های پیامبرانی همچون موسی، عیسی، ایوب، ابراهیم، آدم و سلیمان(علیهم السلام) توصیف می‌نماید:

ای نور یقین سلام بر تو / ای محور دین سلام بر تو / خورشید حجاز، یا محمد / محراب نیاز، یا محمد / ... / ای در خبر مسیح و موسی / ای حجت کعبه و کلیسا / ... / ای وارث خاتم سلیمان / ای ختم به تو نزول قرآن / ... / ای در تو شکیب و رأی موسی / ای در تو کمال زهد عیسی / ... / صبر تو فزون ز صبر ایوب / محبوب‌ترین، ای خوب / ... / (کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۹۶-۲۰۰)

کاشانی همچنین با اشاره به داستان «مورچه و حضرت سلیمان» از جان گذشتگی و فدا کردن خود در راه خدا را بسیار ناچیز شمرده و آن را به بردن ران ملخ در محضر سلیمان تشبیه کرده است:

ران ملخ سوی سلیمان عشق
بردم اگر جسم فدا کرده‌ام

(همان: ۷۹)

۱.۱. قسط و عدل و مبارزه با فاصله‌ی طبقاتی

از جمله مباحثی که در دیوان پروین اعتصامی مطرح است، بحث عدالت خداوندی است. او معتقد به عدالت خداوندی در مورد همه‌ی کائنات هستی است، اما انتقادهایی را در مورد عدالت اجتماعی دارد که عدم اجرای آن را نیز بیشتر از عملکرد حاکمان و دست‌اندرکاران حکومت می‌داند. در دو مثنوی «خوان کرم» (اعتصامی، ۱۳۷۱: ۱۴۲-۱۴۴) و «لطف حق» (همان: ۲۵۳-۲۵۵)، بحث مبسوطی از عدالت خداوندی را به‌طور اختصاصی مطرح می‌کند. پروین در پایان این دو داستان این نتیجه را می‌گیرد که خداوندی که دشمن خود را این‌گونه می‌پروراند، چگونه دوستان خود را از نظر توجه و لطف خود دور می‌سازد. کسی که با نمرود این همه احسان کرده است، آیا ممکن است که عدالت را درباره موسی اجرا نکند و به او ظلم نماید:

ما که دشمن را چنین می‌پروریم
آنکه با نمرود این احسان کند
این سخن پروین نه از روی هوی است
دوستان را از نظر چون می‌بریم
ظلم، کی با موسی عمران کند
هر کجا نوری است نور انوار خداست

(همان: ۲۵۵)

سپیده کاشانی نیز در آثار هنری خود با القای این عقیده که پیروزی خیر بر شر حتمی است مردم را نسبت به آینده امیدوار می‌کند. آینده‌ای که در آن ظلم و ستمی وجود نخواهد داشت و حق و عدالت جاری خواهد بود. سپیده هر جا سخن از گذشته، امروز و آینده و انتظار بشریت سخن می‌گوید، به عدالت‌گستری نیز می‌پردازد و آرزو می‌کند که محبت و عدالت سرتاسر جهان را فراگیرد:

دی گذشته‌ست و فردا، روز قسط و عدالت
ای فرورفته در خویش، بهر گفتن چه داری؟

(همان: ۲۸۰)

بنگر طلوع عدالت، تابنده از مشرق عشق
از طرف هر لاله‌زاری، بانگ هزاری بیاید
آن‌گه که بشکوفد آن گل برشاخسار عدالت
پندار را پرده بگیر تا پرده‌داری بیاید

(همان: ۶۶)

آن حق که تعبیر عدل است
عدلی که تضمین فرداست

می‌گفت تا بشکند ظلم
یاران، خدا یاور ماست
(همان: ۳۳۸)

۲-۳ زهد و تقوا

«ذکر فضایل اخلاقی و ترغیب به آن یکی از اهداف ادبیات تعلیمی است. راه و رسم اولیای خدا بر زهد استوار بود. آنان تلاش می‌کردند دلبستگی‌های دنیایی را در افراد بکاهند و دوستی آخرت را در دل افراد بیفزایند. تقوی از گناه دوری کردن و از نفس جداگشتن است.» (سجادی، ۱۳۶۲: ۱۱۵) «زهد و تقوا زمانی حاصل می‌گردد که از محبت دنیا و شهوات و لذت‌ها دل برید.» (نراقی، ۱۳۶۲: ۲۲۰)

آن چه در نگاه پروین در ساختار شخصیتی آدمی می‌تواند نمود تعالی و تکامل باشد، علاوه بر خرد و دانش و فضل و هنر و عرفان، تقواست؛ چرا که تقوا دشمن هواست، هوایی که آدمی را به گمراهی فرا می‌خواند:
دست تقوا بگشا، پای هوا بر بند
تا ببیند که از کرده پشیمانی
(اعتصامی، ۱۳۷۱: ۷۲)

پروین در جایی دیگر تقوا را پرده و پوشش عیوب جان می‌شمارد:

به جای پرده‌ی تقوا که عیب جان بپوشاند
ز جسم آویختیم این پرده‌های پرنیانی را
(همان: ۸)

سپیده نیز در شعر «شهید عشق»، رسیدن به ذات لایزال الهی را منوط به گذشتن از نفس و بیرون شدن از حصار تن می‌داند:

برون شدی ز حصار تن ای همای سعادت
ز خود گذشتی و سر در ره مراد نهادی
ز طور معجزه ای نفس مطمئن چه شنیدی
به بام عرش به قرب خدای لانه گرفتی
چه عاشقانه درفش شره به شانه گرفتی
که شعله شعله ز نیزار تن زبانه گرفتی
(کاشانی، ۱۳۸۹: ۲۷۳)

۲-۴ عفت و پاکدامنی برای زنان و تأکید بر حجاب

نگاه پروین به موضوع عفت و پاکدامنی زنان دو گونه است: یک نگاه او هنگامی است که از مدرسه‌ی آمریکایی دخترانه در تهران فارغ‌التحصیل شده و بعد از آن برای آزادی زنان شعری را می‌خواند و در نگاهی دیگر در دیوان اشعارش زن را گنجوری می‌داند که عفت گنج آن است و چشم دل را از گناهان باز می‌دارد. شاید علت این دوگانگی در مورد حجاب تحت تأثیر قرار گرفتن او در محیطی با فرهنگ بیگانگان باشد. اما بازگشتن دوباره به آغوش فرهنگ اسلامی، شخصیت یک زن شرقی را در او همچنان حفظ و او را تبدیل به زنی محجوب و گوشه‌گیر می‌کند.

عیب‌ها را جامه‌ی پرهیز پوشانده است و بس
زن سبکباری نبیند تا گران‌سنگ است و پاک
زن‌چو گنج‌جور است و عفت گنج و حرص و آزدزد
اهرمن بر سفره‌ی تقوا نمی‌شد میهمان
جامه‌ی عجب و هوی بهتر ز عریانی نبود
پاک را آسیبی از آلوده دامانی نبود
وای اگر آگه ز آیین نگهبانی نبود
زانکه می‌دانست کانجا جای مهمانی نبود

(اعتصامی، ۱۳۷۱: ۲۴۹)

کاشانی نیز در اشعاری همچون «شیرزنان ایران» و «مادران دیروز، مادران امروز» به ترتیب به توصیف زنان مؤمن ایرانی و همچنین مقایسه‌ی زنان دیروزی که فرزندان برای حفظ صیانت این مرز و بوم پروردند و زنان امروزی که بی‌توجه به تربیت فرزندان خود هستند، می‌پردازد:

تو با سلاح حجابت در سنگر دین شکفتی
عطر دل انگیز توحید برخاست از سنگر تو
(کاشانی، ۱۳۸۹: ۲۷۶)

آه ای مریم‌ها/ مریم‌ها/ مادران دیروز/ ای نگهبانان پاکی و نور/ که طنین گرم لالایی‌های شما/ از دل گهواره/ با دم عشق/ قهرمان می‌رویند... بر شما باد سپاس/ بر شما باد درود/ ... / مادران امروز/ فتنه‌گر بر بوم «پوسترها»/ تا گریبان‌ها را چاک زدند/ پایشان آهنگ شوق نریخت/ دامن چرکینشان زهد نژاد/ دستشان جز گل‌های مسموم/ در خیابان‌های عصر فضا/ هیچ نکاشت/... (همان: ۴۴۰-۴۴۲)

و گاه به طور ضمنی و گاه آشکارا به مسأله حجاب و ضرورت آن در جامعه‌ی اسلامی در شعر «آشیانه‌ی ما» چنین تأکید می‌نماید:

تو از کدام تباری زن زمانه‌ی ما	که گشت همت و ایثار تو فسانه‌ی ما
درون سنگر ایمان تو با سلاح حجاب	زدی صلا‌ی رهایی ز شب یگانه‌ی ما
کفن نبود حجاب تو ای نجیب صبور	که پرده‌دار عفاف‌ی، تو در زمانه ما

(همان: ۲۵-۲۶)

۳. نتیجه گیری

گرایش به دین را می‌توان یکی از راه‌های گریز از فضای آشفته‌ی جامعه و تلاش در جهت دست‌یابی به فضایی توأم با معنویت و آرامش دانست. در این میان ادبیات به مثابه‌ی آینه‌ی است که می‌تواند بسیاری از جریان‌های فکری حاکم بر هر دوره از جمله گرایش به دین را در خویش منعکس نماید.

نقش تعلیم و تربیت در انسان‌سازی و دغدغه‌ی شاعران مورد مطالعه در این مقاله یعنی پروین اعتصامی و سپیده کاشانی نسبت به اصلاح ساختارهای اخلاقی جامعه، با تکیه بر دین و فرهنگ اسلامی، باعث شده تا با نگرشی اصلاحی و نگاهی دقیق، درد جامعه‌ی خویش را تشخیص دهند و برای درمان آن، داروی پند و اندرز را در قالب شعر تجویز کنند. از این جهت مؤلفه‌های اخلاقی چون: تقوا، پاکی، راستی و درست‌ی و پرهیز از هوی و هوس، تمایلات نفسانی، حرص و آز و امثالهم، همگی در انسان به عنوان موجود مستعدی که تحت تأثیر آموزش و تعلیم می‌تواند پذیرای هر کدام از گزینه‌های ذکر شده باشد، مطرح می‌شود.

هر دو شاعر با اشاره به داستان زندگی پیامبران الهی، انسان را به آموزه‌های اخلاقی و دینی سوق می‌دهند و او را از ذیلت‌های اخلاقی و پیروی هوای نفس باز می‌دارند و او را به سوی کمال حقیقی رهنمون می‌سازند.

مراجع انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی

- ۱- اعتصامی، پروین، *دیوان کامل پروین اعتصامی*، به کوشش محمد بهشتی و علی جاهد، چاپ اول، تهران: غزلسرا، ۱۳۸۲.
- ۲- حاجی صادقی، عبدالله، *فطری بودن گرایش به دین*، فصلنامه قیسات، سال نهم، شماره ۳۶، ۱۳۸۴.
- ۳- سجادی، سیدجعفر، *فرهنگ معارف اسلامی*، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایرانی، ۱۳۶۲.
- ۴- زرقانی، مهدی، *چشم‌انداز شعر معاصر ایران*، تهران: نشر ثالث، ۱۳۸۳.
- ۵- فیضی، کریم، *راز پروین*، تهران: مطبوعات دینی، ۱۳۸۳.
- ۶- کاشانی، سپیده، *مجموعه آثار سپیده کاشانی*، تهران: مؤسسه‌ی انجمن قلم ایران، ۱۳۸۹.
- ۷- لویمی و بهامیریان قهقرخی، سهیلا و فرخنده، *آموزه‌های قرآنی در آیین شعر پروین اعتصامی*، فصلنامه‌ی زن و فرهنگ، شماره‌ی سوم، ۱۳۸۹.
- ۸- نراقی، احمد، *معراج السعاده*، انتشارات امین و رشیدی، تهران، چاپ قدیم، ۱۳۶۲.